

تعدد زوجات: رویکردی انتقادی به گزارش‌های سفرنامه‌نویسان دوره قاجار  
از منظر قرآن کریم و روایات

علی بلوردی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۱۲، صفحه ۱۰۱ تا ۱۲۳ (مقاله پژوهشی)

چکیده

دوره قاجار از برجسته‌ترین دوره‌های تاریخ ایران و اوج حضور میسیونرها و سفرنامه‌نویسان در ایران است. در این برهه تاریخی سفرنامه‌نویسان اروپایی به صورت سیاحت شخصی و بعضاً به صورت هیئت‌های اعزامی از سوی ابرقدرت‌های اروپایی در ایران حضور پیدا می‌کردند. سفرنامه‌نویسان هر کدام با انگیزه و بینشی خاص، بنا بر روحیه و جنبه فرهنگی و اجتماعی خود و درحالی‌که فرهنگ سرزمین خود را به همراه دارند به بررسی وضعیت طبیعی جغرافیایی تاریخی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی محل سفر خود می‌پردازند. سفرنامه‌نویسان در گزارش‌های خود بر تضييع حقوق زنان به واسطه تعدد زوجات اشاره کرده‌اند، برای نمونه گزارشاتی از چندزنی در میان جامعه مسلمان ایران در دوره قاجار گزارش کرده‌اند. این پژوهش در صدد پاسخ‌گویی به این سؤال است که آیا این اتهام و سوءبرداشت سفرنامه‌نویسان از تضييع حقوق زنان درست است؟ این فرضیه دنبال می‌شود که سفرنامه‌نویسان، اولاً با اهداف و اغراض سوء این گزارش‌ها را بیان کرده‌اند. ثانیاً با مرور تاریخ در ادوار گذشته در ایران و سایر جهان بالخصوص اروپا، روشن می‌شود که چندهمسری در قبل از اسلام هم در میان ملت‌های زیادی رواج داشته است و این اسلام است که این پدیده را به واسطه قوانینی مثل ایجاد عدالت در میان همسران سامان‌دهی کرده است تا از تضييع کرامت و حقوق زنان جلوگیری کند. هدف نویسنده در این پژوهش روشن کردن دست و اغراض سفرنامه‌نویسان در تحریف فرهنگ ایرانی و اسلامی به واسطه مبانی اسلامی به ویژه آیات قرآن کریم است. روش نگارش این نوشتار؛ توصیفی، بر اساس گزارش‌های سفرنامه‌نویسان دوران قاجار و سپس از روش تحلیلی، بر اساس مبانی اسلامی در پاسخ به سوءبرداشت‌های سفرنامه‌نویسان است.

**کلیدواژه‌ها:** دوره قاجار، سفرنامه‌نویسان، تعدد زوجات، تاریخ ایران، دیدگاه اسلامی، آیات قرآن.

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی و دانشجوی دکتری مدرسی معارف اسلامی، گرایش اخلاق

## درآمد

دوره قاجار از برجسته‌ترین دوره‌های تاریخ معاصر ایران از جهت ورود فرهنگ مغرب‌زمین به کشور است. این دوره اوج حضور اروپاییان در ایران است. حضور سفرنامه‌نویسان از عصر ایلخانی شروع شده بود و در دوران صفویه به اوج خود رسید. از این زمان به بعد جز در دوران کوتاه افشاریه و زندیه مسافرت‌های اروپاییان در دوره قاجار افزایش داشته است. این مسافرت‌ها گاه به صورت سیاحت شخصی و گاه به صورت هیئت‌های اعزامی از سوی ابرقدرت‌های اروپایی انجام شده است. غالب این افراد از کشورهای فرانسه، انگلیس و روسیه هستند؛ به عبارتی کشورهایی که در دوره قاجار در ایران نفوذ داشته‌اند. این کشورها برای نیل به مقاصد و منابع سیاسی و اقتصادی‌شان، الزاماً شناخت روحیات، خلیقات، رفتار و افکار مردم ایران را امری مهم می‌دانند. از این رو افرادی گوناگونی را به ایران فرستاده‌اند. این افراد شامل سیاحان، پزشکان، شخصیت‌های سیاسی و اقتصادی و حتی میسیونرهای مذهبی بوده‌اند، سفرنامه‌نویسان هر کدام با انگیزه و بینشی خاص، بنا بر روحیه و جنبه فرهنگی و اجتماعی به بررسی وضعیت طبیعی جغرافیایی تاریخی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی محل سفر خود می‌پردازند، اهداف سیاحان اروپایی را از سفر به ایران می‌توان در یکی از موارد زیر قرارداد: یک. تبلیغ مذهبی. دو. کسب منافع‌های تجاری و امتیازات سیاسی. سه. بهره‌برداری سیاسی. چهار. فراهم آوردن زمینه‌های مساعد برای صدور فرهنگ غربی در ایران است. حضور گسترده سفرنامه‌نویسان در دوره قاجار سبب شده است که آگاهان به مسائل اجتماعی و تاریخی، دوره قاجار را دوره انحطاط فرهنگی ایران بدانند؛ زیرا مصادف است با تحمیل عقاید و فرهنگ اروپاییان به کشورهای شرقی و سنت‌گرا؛ با این دیدگاه که فرهنگ غرب فرهنگ مسلط و منحصر به فرد است و نجات‌بخش انسان‌ها و جوامع است از طرفی متأسفانه به دلیل ضعف حکمرانان قاجار این تأثیرگذاری از فرهنگ غرب به واسطه حضور سفرنامه‌نویسان همواره شده است.

در گزارش‌هایی که از این سفرنامه‌نویسان در مورد رفتار و کردار ایرانیان بیان شده، نظراتی را می‌توان مشاهده کرد که بر طبق پیش‌فرض‌های فکری آن‌ها است. برای نمونه در موضوع تعدد زوجات، سفرنامه‌نویسان قائل بر این هستند که تعدد زوجات در میان ایرانیان سبب ضایع شدن حقوق و کرامت انسانی زنانی می‌شود. این مقاله در صدد است، به صحت سنجی این گزارشات پرداخته و در صورت صحت این گزارشات، بر اساس مبانی اسلامی پاسخ داد.

از مطالعه در بین سفرنامه‌ها شش سفرنامه در مورد این موضوع گزارشاتی را بیان کرده‌اند که عبارت‌اند از: یک. *سفرنامه فووریه*. او پزشکی فرانسوی در گارد سلطنتی بود که در سال م: ۱۸۳۰ درگذشت. دو. *سفرنامه مری لیدی شیل*. وی همسر وزیر مختار انگلیس در اوائل سلطنت

ناصرالدین شاه است که در سال م: ۱۸۵۱ وارد ایران شده است. سه. سفرنامه اوژن فلاندن. وی شخصیتی شرق شناس، سیاستمدار، نقاش و معمار بود. فلاندن پس از پایان مأموریت سیاسی در اصفهان، پا در سفری طولانی گذاشت و سرانجام در سال م: ۱۸۸۹ از دنیا رفت. چهار. سفرنامه خاطرات کاژما از آکی یو کاژاما در سال ۱۳۰۸ ش. از اروپا به عنوان وزیر مختار ژاپن تعیین و روانه ایران گردید.

کاژاما سه سال در ایران زندگی کرد و در باره تاریخ ایران به مطالعه و نگارش گزارش می کرد وی از هر جا که عبور کرد دیده ها و شنیده های خود را نوشت و وضعیت ایران را از باب یک سیاست مدار کارآمد گزارش کرد. در مورد زمان و مکان فوت وی اطلاعاتی در دسترس نیست. پنج. سفرنامه به سوی اصفهان از پیر لوتی است. نویسنده و جهانگرد مشهور فرانسوی است که در سال ۱۹۰۴ (میلادی) به رشته نگارش درآورده است. شش. سفرنامه تاریخ اجتماعی - اقتصادی ایران در دوران آغازین عصر قاجاریه از گیوم آنتوان اولیویه است. سفرنامه مسیو اولیویه از مهم ترین متون تاریخ ایران در دوران حساس انتقال سلطنت آغامحمدخان قاجار به فتحعلی شاه است. اصل این سفرنامه به زبان فرانسه و در ۶ جلد است. این سفرنامه تنها مربوط به ایران نیست، بلکه در برگیرنده سیاحت این فرد در ممالک عثمانی، مصر، شام، بین النهرین و ایران است.

درباره موضوع این پژوهش سه مقاله مرتبط پژوهشی نگاشته شده است: یک. «بررسی اخلاق اجتماعی ایرانیان در سفرنامه های اروپایی» از علی بیگی و حمید اسماعیلی<sup>۲</sup> وی به بررسی اخلاقیات ایرانیان به صورت کلی از دوران صفویه تا قاجار را مورد بررسی قرار می دهد؛ نویسنده اخلاق اجتماعی را با توجه به نگرش سیاحان در دو بعد مثبت و منفی و بررسی قرار می دهد. دوم. مقاله دوم «جسارت های انتقادی در حکم تعدد زوجات» از مهناز دهقانی<sup>۳</sup> وی به بررسی دیدگاه های مختلفی پرداخته است. برای نمونه برخی معتقد به استحباب چندهمسری شده و عده ای قائل به اباحه مطلق آن شده اند، گروهی نیز حکم اباحه را از ناحیه موضوع تقیید کرده، یا به شروطی منوط ساخته اند. مقاله سوم: «عوامل تعدد زوجات و تأثیر آن بر جامعه عصر ناصری»<sup>۴</sup> وی در این پژوهش به بررسی

۲. بیگی، علی، اسماعیلی مهری، حمید؛ بررسی اخلاق اجتماعی ایرانیان در سفرنامه های اروپایی « زمستان ۱۳۹۸ - شماره ۲۹ (۵ تا ۳۵)».

۳ نویسنده مسئول: دهقانی، مهناز؛ نویسنده: صادق پور، محمدجعفر؛ مجله: فقه « پاییز ۱۴۰۰، سال بیست و هشتم - شماره ۳ رتبه علمی - پژوهشی (حوزه علمیه/ 27) ISC صفحه - از ۱۵۱ تا ۱۷۷ )

۴ نویسنده: گلجان، مهدی؛ بیگی، نادیه؛ مجله: مسکویه « تابستان و پاییز ۱۳۸۸ - شماره ۱۱ رتبه علمی - پژوهشی (دانشگاه آزاد/ 22) ISC صفحه - از ۱۹۱ تا ۲۱۲ )

چگونگی تعدد زوجات در عصر ناصری پرداخته است که غالباً در میان طبقات مرفه جامعه رواج داشت. زنان که در بیش تر اوقات نقشی در انتخاب همسر خود نداشتند، به‌عنوان زن عقدی، صیغه‌ای و یا کنیز به حرم‌سراها راه می‌یافتند و به نسبت موقعیت خانواده خود از حقوق و مزایای متفاوتی بهره‌مند می‌گشتند.

پژوهش حاضر با این مقالات ذکر شده تفاوت دارند؛ یک. مقاله اول به‌صورت بسیار کلی و در تمام موضوعات اجتماعی دوره قاجار ورود کرده است؛ اما در پژوهش حاضر به‌صورت تخصصی به موضوع نحو برخورد با حیوانات به‌صورت انتقادی ورود شده است. دو. مقاله دوم صرفاً به احکام مرتبط با تعدد زوجات در اسلام را بیان کرده است. مقاله سوم. به علل گرایش مردان طبقه اشراف، به‌خصوص ناصرالدین‌شاه، به تعدد زوجات و پی‌آمدهای آن پرداخته است. درحالی‌که در پژوهش حاضر سعی بر آن شده است که تاریخ ایران در دوره قاجار را به‌صورت تحلیلی در موضوع خاص (تعدد زوجات) مورد بازخوانی و تحلیل قرار داده شود و گزارشات که از زبان سفرنامه‌نویسان بیان شده است مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد.

بررسی نظریات سفرنامه‌نویسان در مورد تعدد زوجات و تبیین و پاسخ آن‌ها به‌واسطه مبانی اسلامی می‌تواند از جهاتی قابل‌اهمیت باشد. زیرا باید دقت نمود که در تاریخ معاصر ایران عصر قاجار اوج تدوین سفرنامه‌ها است، در دوره‌های بعد به‌خاطر گسترش رسانه‌ها و ابزارهای ارتباطی دیگر، سفرنامه‌نویسی رونق زیادی ندارد. از جهتی دوره قاجار یکی از مقاطع تاریخی انحطاط فرهنگی ایران است که به این جهت بسیار دست‌خوش تغییر است. در بررسی نظریات سفرنامه‌نویسان در مورد تضييع حقوق زنان در دوره قاجار، روشن خواهد شد که بخش زیادی از رفتار ایرانیان در مورد تعدد زوجات بر اساس مبانی اسلامی بوده و بخش دیگری که مورد مذمت یا بی‌دقتی در خوانش سفرنامه‌نویسان قرار گرفته؛ بر خواسته از رفتار و خلیقاتی است که در میان ایرانی‌ها رایج بوده و از نظر اسلامی نیز غیراخلاقی است.

اهداف این پژوهش را می‌توان: یک. بیان قرائت‌ها و گزارش‌های سفرنامه‌نویسان در مورد فرهنگ ایرانیان و بالخصوص در مورد تعدد زوجات دانست. دو. نقد قرائت‌ها و نظرات سفرنامه‌نویسان اروپایی به واسطه مبانی قرآنی در مورد تعدد زوجات. سه. روشن کردن اغراض سفرنامه‌نویسان به واسطه مبانی اسلامی که از وجود گوهر بار اهل بیت(ع) به یادگار مانده است.

#### ۱- گزارشات سفرنامه‌نویسان

از سنت‌هایی که در تمام دنیا می‌توان از آن نام برد، ازدواج است. یکی از مسائلی که همواره موردنظر غیر مسلمین بوده است، بحث در مورد تعدد زوجات در میان مسلمین است. در سایر کشورها

با یک زن ازدواج می‌کنند. اما در ایران امکان گرفتن چند زن وجود دارد. مسلمانان برای اینکه بتوانند چند همسر را به ازدواج دریاورند از مذهب استفاده کرده‌اند. در احکام و قوانین مذهبی مسلمانان این امکان فراهم شده است که علاوه بر داشتن یک تا چهار همسر ثابت، از تعداد بی‌شماری همسر موقت هم استفاده کرد. این سنت اگرچه در میان اغنیا بیشتر رواج دارد؛ اما اقشار متوسط جامعه هم از این سنت دینی غافل نشده‌اند. (فوریه، ۱۳۹۸، ۲۰۳)

تعدد زوجات در میان جامعه ایرانی از دو نظریه سرچشمه گرفته است. نظریه اول: سرآغاز نظریه تعدد زوجات از قرآن و سنت است. فلان‌دن در سفرنامه خود، در مورد احکام قرآنی در مورد تعدد همسر این‌گونه بیان می‌کند: بر حسب دستورات قرآن که سرمنشأ و اساس اجتماعات اسلامی است هر مردی می‌تواند چند زن اختیار کند و نباید با هم فرقی داشته باشند. (فلان‌دن، ۱۲۵۶، ۴۲۲)

نظریه دوم: سرآغاز نظریه تعدد زوجات از سنت‌های اجتماعی (باورهای کاذب) است. شیلی در مورد سرمنشأ تعدد زوجات در میان جامعه مسلمان این‌گونه توضیح می‌دهد: سلیمانیه قصری مجلل است که به‌عنوان محل استراحت شکارگاه، توسط فتحعلی‌شاه، پدربزرگ شاه فعلی، بنا شده و اتاق‌ها و تالارهای متعددی دارد که جهت اقامت زن‌های حرم‌سرای خودساخته بود، چون تعداد زن‌های اندرون این پادشاه به چندین صد نفر می‌رسید. او تعداد پسران فتحعلی‌شاه بیش از هشتاد نفر و عده دخترانش آن‌قدر زیاد بود که به حساب نمی‌آمد. البته دلیل کثرت دختر در این فامیل قابل توجیه نیست؛ ولی در میان ایرانیان عقیده‌ای رایج است که تعداد زن‌ها همیشه بیشتر از مردها است و آنها همین موضوع را دلیلی بر اثبات نظریه خود دائر بر اینکه، یک مرد می‌تواند چندین همسر داشته باشد، می‌دانند و به همین علت، پسران فتحعلی‌شاه هم از کار پدر متابعت نموده و در نتیجه، هرکدام از آنها ۶۰ تا ۵۰ اولاد به وجود آوردند و تعداد کل نواده‌های او را به هزار نفر رساندند. (شیلی، ۱۳۶۸، ۵۵)

سفرنامه‌نویسانی که به ایران سفر کرده‌اند، بر این ادعا هستند که تعدد زوجات سبب ازبین‌رفتن حقوق زن‌ها و ضایع شدن کرامت انسانی می‌شود. این نوع نگرش مسلمانان در مورد ازدواج، سبب به‌وجود آمدن مشکلات بی‌شماری برای جامعه می‌شود. حال ادله‌ای برای ازبین‌رفتن حقوق زنان را بیان می‌شود.

دلیل اول: حق طلاق مرد است. ایشان تعدد زوجات را سبب ازبین‌رفتن حقوق زنان می‌دانند. زیرا مردان طبق دستور قرآن بازپرداخت کردن مهریه، هرزمان که خواستند می‌توانند همسر خود را طلاق بدهند. این نوع اجازه برای مردان سبب می‌شود که احساسات و کرامت زنان لطمه دار شود و در نتیجه سبب فساد و تباهی زن و جامعه بشود. فلان‌دن در سفرنامه خود شاهدی بر حق طلاق مرد

در قرآن آورده است. بعلاوه قرآن می‌گوید هر مرد می‌تواند چهار زن عقدی نماید و صاحب‌اختیار این است که بر حسب اراده و میل خودزنی را طلاق گوید، این زنان را نکاحی می‌گویند و ممکن است چند زن غیر عقدی که متعه می‌نامند در اختیار خود آورد. اغلب مردها این نوع زنان را خریده هر وقت بخواهند خرید و فروش می‌نمایند. قسمی دیگر هم هست که صیغه باشد و برایش زمان قائل نمی‌شوند و مدت معینی ندارد. گاهی دوران کوتاه و زمانی طولانی می‌گردد. صیغه در برابر ملا یا قاضی کرده می‌شود و جهتش قیمتی معین می‌دارند. هر مردی در قباله مبلغی را تعهد می‌کند که اگر زنش را نخواست بپردازد و او را طلاق گوید و اگر از دوباره میلش کشید باید تعهدنامه تازه‌ای ترتیب دهد و زن را به نکاح خود آورد. (فلاندن، ۱۲۵۶، ۴۲۲)

شاهدی دیگر که دلالت دارد بر فساد و تباهی که برای زنان بعد از طلاق اجباری به وجود آمده است. مردان به صورت آزادانه زنان خود را طلاق می‌دهند و در مقابل آن "مهریه" می‌دهند. مهریه ادای نقدی و مالی مرد نسبت به همسرش است. زنان و دخترانی که در ۱۰ سالگی ازدواج کرده‌اند و در ۱۱ سالگی مطلقه می‌شوند تعدادشان زیاد است. این زنان بیشتر مردمی از قشر فقرا بودند که بی کس و بی حامی و خویشاوند بودند، و پس از رها و رانده شدن از سوی شوهر آواره می‌شوند. در شهرهای قدیم دروازه‌های بود و کنار دروازه بنای قلعه مانندی بود. در اینجا کسان، مانند این خودفروشان کم‌سال زیاد بودند. البته در دوره پادشاه کنونی وضع رفته‌رفته بهبود پیدا می‌کند، ولی نتوانسته‌اند این پدیده و فساد را ریشه‌کن کنند. (کازاما، ۱۳۸۰، ۱۴۶)

دلیل دوم: تعدد زوجات سبب ازبین رفتن کرامت انسانی می‌شود. زیرا با حق اختیاری که مردان در ایران برای ازدواج مجدد دارند، سبب شده که جایگاه زنان که دختر زیاد به دنیا می‌آوردند پیش همسر متزلزل شود. زیرا فرزند پسر در میان مسلمانان همیت زیادی دارد. در نتیجه مرد به خود این اجازه را می‌دهد که دوباره ازدواج کند. شیلی در سفرنامه خود شاهدی بر تزلزل زن در خانواده را بیان می‌کند: بزرگ‌ترین آرزوی هر زن جوان پس از ازدواج این است که چند پسر بزاید و از این راه وضع آینده خود را در منزل شوهر تثبیت و تأمین کند، زیرا زاییدن دختر برای آنها هیچ‌گونه ارزشی به بار نمی‌آورد و اصولاً در ایران هیچ‌کس برای دختران قدر و قیمتی قائل نیست. (شیلی، ۱۳۶۸، ۹۲)

دلیل سوم: تعدد زوجات سبب ازبین رفتن کرامت انسانی می‌شود. زیرا در ازدواج دائم و موقت هم بین زنان فرق می‌گذارند. مثلاً زنی که عقد دائم است جایگاهش بالاتر، نسبت به زنی که با عقد موقت است. این تفاوت‌ها باعث می‌شود کرامت انسانی خدشه‌دار شود. شیلی در سفرنامه خود شاهدی بر فرق گذاشتن بین زن عقدی و موقت را بیان می‌کند: ازدواجی که معروف به صیغه است و به‌هیچ‌وجه محدودیتی از نظر تعدد زوجات ندارد؛ ولی در آن دوره ازدواج محدود است و البته

هیچگاه به بیشتر از نود سال نمی‌رسد! و تازه، با اینکه تعیین دوره نودساله برای این‌گونه ازدواج‌های غیردائمی دلیل بر احترام فراوان به زوجه است، باین‌حال یک صیغه نودساله هیچگاه ارزش یک زن عقدی را ندارد. فرزندان زن‌های صیغه با بچه‌های زنان عقدی در ارث‌بردن متفاوت هستند. مردها معمولاً زن‌های عقدی خود را از خانواده‌های هم طراز انتخاب می‌کنند، درحالی‌که زن‌های صیغه را از طبقات پایین بر می‌گزینند، تا در ضمن سمت خدمتکار زن‌های عقدی را هم داشته (شیلی، ۱۳۶۸، ۸۶)

دلیل چهارم: تعدد زوجات سبب ازبین‌رفتن حقوق زنان می‌شود. زیرا وقتی مردی این اجازه را پیدا می‌کند که چند همسر را به ازدواج دربیآورد، در نتیجه مرد برای اینکه خرج و مخارج همسران خود را بدهد تن به خواری و خفت در گرفتن پول ربوی بدهد. شیلی در سفرنامه خود شاهدی بر فساد نشئت‌گرفته از تعدد زوجات را بیان می‌کند: یکی دیگر از کسانی که کمرش زیر بار قروض سنگین خم شده بود، سلیمان آقا فراش خلوت ما بود که البته باعث آن هم همان علت ذکر شده در مثال قبلی است. او موقعی که برای استقبال از هیئت ما از تهران به ارس اعزام شد، به علت اینکه در تبریز زن گرفته بود توانست به ما ملحق شود. موقعی هم که به تهران رسیدیم متوجه شدم که او مجرد نبوده است و قبلاً در تهران زن داشته است. در تبریز هم زن جدیدی گرفته است. بعداً به نظرم رسید که این مرد احتمالاً باید در هر یک از شهرهای بزرگی برای احتیاط یک زن داشته باشد. چون موقعی که او را همراه خودمان به اصفهان برده بودیم متوجه شدیم که زنی هم در اصفهان دارد، تا در مدت اقامت غم تنهایی را از دلش بزدايد. در اینجا به جرئت می‌توانم اظهار کنم که تمام این ملت - مخصوصاً طبقه شهرنشین آن - کم‌وبیش به همین صورت هستند و شرایط حاکم بر ایران نیز طوری است که کار این‌گونه طالبان تعدد زوجات، و در نتیجه کسب در آمد نزول‌خوارها را تسهیل می‌کند. به‌گونه‌ای که یا در حال دادن پول نزول هستند یا در حال گرفتن پول نزول هستند. (شیلی، ۱۳۶۸، ۸۵)

در ادامه بحث مابقی ادله ازبین‌رفتن حقوق زنان را بیان می‌شود. دلیل پنجم تعدد زوجات را بیان می‌کنیم: ایشان تعدد زوجات را سبب ازبین‌رفتن حقوق زنان می‌داند. زیرا با استفاده از دام نکاح موقت، از زنان سو استفاده جنسی می‌کنند و بعد از آنکه نیاز جنسی آنها برطرف شد، زنان را طلاق می‌دهند. در این نوع ازدواج‌ها، هیچ اهمیتی به عواطف و احساسات زن داده نمی‌شود. فوریه در سفرنامه خود شاهدی بر سوءاستفاده جنسی از زنان را بیان کرده است: شب گذشته گرفتار طوفان سهمگینی بودیم، در تمام مدت شب فراش‌ها بکار محکم کردن میخ چادرها مشغول بودند و صدای تق‌تق ایشان شنیده می‌شود. با تمام این احتیاطات صبح معلوم شد که بعضی از چادرها را باد

به زمین سرنگون ساخته و بعضی دیگر را برده است ما هم بی‌سروصدا و بدون مازو سرنا به تهران برگشتیم.

من به منزلی که سال گذشته اعلیحضرت در اراک به من بخشیده‌اند رفتم و دیدم که هم‌منزلم چون تازه صیغه‌ای گرفته و به قصد تمتع به نقطه دور دستی رفته آنجا را خالی نموده است. مردم ایران با اجرای جمیع آداب ازدواج، زنی را به مدتی معین به نکاح در می‌آورند و چون این مدت به سرآمد هر دو طرف آزادانه سرخود را پیش می‌گیرند و دوره ازدواج خاتمه می‌پذیرد. (فووریه، ۱۳۹۸، ۳۰۶)

دلیل ششم: تعدد زوجات سبب از بین رفتن حقوق زنان می‌شود. زیرا باعث می‌شود که کرامت و جایگاه زنان متزلزل باشد و آرامش نداشته باشند. مثلاً وقتی مردان به سفر می‌روند، در سفر هم ازدواج موقت می‌کنند. کازما در سفرنامه خود، شاهدی بر ازدواج مردان در سفر را بیان می‌کند. به گونه‌ای که با ازدواج موقت، کرامت و جایگاه همسر دائمی خود را زیر سؤال می‌برند: در این حکومت مرد می‌تواند زن موقت به‌غیر از زن دائمی خود، بگیرد. این نوع ازدواج را صیغه می‌گویند. این رابطه زناشویی را صیغات هم می‌گویند. برای نمونه مأمور دولت که باید از تهران به شیراز برود و زن و بچه‌اش هم در تهران هستند در طول اقامتش در شیراز می‌تواند زن صیغه‌ای بگیرد. یعنی این زن به ازدواج مدت‌دار راضی می‌شود و در مورد پولی که در آخر مدت می‌گیرد، توافق می‌کند، این نوع ازدواج طور رسمی و شرعی به وسیله آخوند جاری می‌شود. این ازدواج را به متعه می‌گویند. وضع زن موقت و رفتار با او جز در مدت داربودن ازدواج، (کازما، ۱۳۸۰، ۱۴۶)

دلیل هفتم: تعدد زوجات سبب پایین آمدن جایگاه زنان است؛ زیرا آنان حتی از حقوق اولیه برای انتخاب همسر و زمان مناسب ازدواج هم محروم هستند. پیر لوتی یکی از نشانه‌های مجبور کردن دختران به ازدواج را بیان می‌کند: جمعیت ایران پیوسته روبه‌کاهش می‌رود. یکی از علت‌های مهم این کاستی، شرایط و وضع رقت‌بار زندگی زنان است. دختران را در صغر سن وادار به ازدواج می‌کنند و آن‌ها ناچارند دوره شیردادن به کودکان را طولانی کنند، در نتیجه خیلی زود نشاط جوانی را از دست دهند و دوباره شوهران آنان زن می‌گیرند. نبودن نظافت، نداشتن دستوره‌های بهداشتی موجب تولید افکار موهوم و خرافاتی شده است. (پیرلوتی، ۱۳۹۷، ۱۴۳)

دلیل هشتم: جواز تعدد زوجات سبب شده است که از زنان به‌عنوان بردگان جنسی و خانگی استفاده می‌شود و هرزمان که پیر و فرتوت شوند باید خدمتکار باشند. اولیوایه شاهدی از استفاده جنسی و همچنین کنیزی زنان آورده است مخارجی که زنان برای حرم‌سرای خود صرف می‌کنند بسیار زیاد است. عدد زنان و ازدواج چه یکی و چه چند نفر باشد؛ و نیز عدد کنیزان بی‌شمار است. از این کنیزان، آنان که پیر و بدشکل هستند، به جهت خدمت خانه نامزد می‌کنند و آنکه جوان و



خوشگل باشند، همواره در خیال همخوابگی با خواجگان بوده و طالب می‌شوند که هم فراش وی شده تا صاحب اولاد شوند و کنیزان و خدمتکاران به خدمت خود گیرند و نظیر یا مماش ازدواج دیگران شوند، مخارجی که در حرم‌سرا مصرف می‌شود از حد اعتدال متجاوز گردد. خاصه اگر مردی خوش خلقی باشد. دیگر حدی در توقعات زنان نیست. (اولیویه، ۱۳۷۱، ۱۵۹)

## ۲- جریان‌شناسی

### الف: اهداف و انگیزه‌های سفرنامه‌نویسان

در خصوص قصد و انگیزه سفرنامه‌نویسی تحلیل‌های گوناگونی وجود دارد. عده‌ای سفرنامه را محصول زمان دانسته و معتقدند: سفرنامه‌های اروپایی منعکس‌کننده تنوع افراد، ایده‌ها، مفاهیم و... در سراسر دوره مدرن است. ولی هر کدام دیدگاه منحصر به فردی را ارائه می‌دهند. تنوع و محبوبیت آنها تا قرن نوزدهم افزایش یافت و منعکس‌کننده کنجکاوای فزاینده و همچنین تحرک فزاینده و گسترش مردمان اروپایی و امپراتوری‌ها، فرهنگ‌ها، سواد و رسانه‌های آنها بود. سفرنامه‌ها گواه نسل‌کشی، استثمار، سرکوب و جنگ است. آنها عقاید نژادپرستانه، هژمونیک، ناسیونالیستی را مستند می‌کنند، از طرفی ایده‌های همدلانه، انقلابی، هنری و مبتکرانه را نیز مکتوب می‌نمایند. آنها انواع دانش‌ها، فرصت‌ها و خطرات اقتصادی، اکولوژیکی و اجتماعی را گوشزد کرده و شاهد مزایا و آسیب‌های مرتبط با تبادل بین فرهنگی بودند. به طوری که به‌تنهایی برخی مانند آثار هنری هستند و یا آداب‌ورسوم ملل دیگر را ثبت می‌کنند که تا آن زمان گم شده‌اند. (Gruber, 2022p.1450-1900)

در مورد سفرنامه‌نویسانی که وارد کشورهای اسلامی شده و به نگارش در مورد آداب‌ورسوم آنها پرداخته‌اند نیز نکات قابل تأملی دیده می‌شود. برخی معتقدند که مسلمانان دارای تاریخ طولانی و غنی هستند و پس از گذشت یک قرن از ظهور اسلام به‌عنوان خطری برای مسیحیت تلقی می‌شود؛ چنان که ضیاءالدین سردار، محقق برجسته اسلام، می‌گوید: «دستاوردهای تمدن اسلامی، اسلام را به یک معضل فکری، اجتماعی و فرهنگی [برای اروپا] تبدیل کرد». آن مشکل باید به ساده‌ترین راه حل می‌شد و آن هم با محکوم کردن و انحطاط سیستماتیک اندیشه اسلامی میسر بود. یوحنا دمشقی<sup>۵</sup>

<sup>۵</sup> سنت جان دمشقی، همچنین به نام سنت جان دمشقی، لاتین Johannes Damascenus (متولد حدود ۶۷۵، دمشق - درگذشته ۴ دسامبر ۷۴۹، در نزدیکی اورشلیم؛ راهب شرقی و دکتر الهیات یونانی و کلیساهای لاتین که رساله‌هایشان در مورد احترام به تصاویر مقدس، او را در خط مقدم مناقشات شمایل‌شکنی قرن هشتم قرار داد و سنتز الهیاتی‌شان او را به واسطه‌ای برجسته بین فرهنگ یونانی و لاتین قرون وسطی تبدیل کرد. وی جانشین پدرش به عنوان یکی از مقامات مالیاتی خلیفه مسلمان شد.

قبلاً در قرن هشتم میلادی دیدگاهی کامل، هرچند کاملاً ناآگاهانه نسبت به تمدن مسلمانان ارائه کرد. او اسلام را توطئه‌ای علیه مسیحیت اعلام کرد. آثار یوحنا دمشقی پس از مدتی به منبعی کلاسیک برای بازنمایی بیشتر از اسلام تبدیل شد، به طوری که تمام نوشته‌های بعدی مسیحیان درباره اسلام تا حدودی بر اساس آن بود. در واقع، مکتوبات نویسندگان اروپایی در طول قرن‌ها در بی‌اهمیت نشان دادن و فروگاهی اهمیت فرهنگ اسلامی ناشی از نوشته‌های وی بود. دریافت قرون وسطایی از اسلام در *کمدی الهی* اثر دانته بسیار دقیق نشان داده شده است. تصویرهای نادرست و غیرمنصفانه از اسلام در الهیات کاتولیکی توماس آکویناس<sup>۶</sup> که کلیسا هنوز هم او را برجسته‌ترین فیلسوف خود می‌داند، نیز حاکی از آن است که وی، با مسلمانان و همچنین یهودیان مخالف بود، زیرا برای او غیرقابل تصور بود که افرادی که مسیحیت را رد می‌کنند بتوانند فرهنگی مبتنی بر حقیقت و فضیلت بسازند. جهل نسبت به اسلام ممکن است تا آنجا که به ترس از چالش مذهبی مربوط می‌شود قابل درک به نظر می‌رسد، زیرا بسیاری از منتقدان اسلام وظیفه خود را دفاع از حقیقت در مورد خدا می‌دانند. بسیاری از آنها فرهنگ مسلمانان را به شیوه‌ای کاملاً اشتباه به تصویر می‌کشیدند، زیرا آنها هرگز با آن فرهنگ تماس واقعی نداشتند. در ادبیات به اصطلاح سفرنامه‌ها تصویرهای ارائه شده از اسلام سرشار از تعصب، ترس و تلقینات ناعادلانه است. هدف سفرنامه‌نویسی در اروپای مدرن اولیه، بازنمایی اسلام آن‌چنان که بود نبود، بلکه اثبات تمایز بین خیر و شر بود، درحالی که مسیحیت به معنای خیر و اسلام به معنای شر بود. چنان‌که سردار می‌گوید: «مسافر آنچه را که انتظار داشت، دید و آنچه را که مخاطبانش در خانه منتظرش بودند، گزارش کرد». آن نگرش ریاکارانه با نحوه تلقی اروپا از سوی خود اروپاییان، یعنی معیار و این معیار با همه چیز همراه بود. بازنمایی یا بهتر بگوییم بازنمایی‌های نادرست از اسلام در ادبیات انگلیسی دوره مدرن اولیه به‌طور کلی و در سفرنامه‌های نوشته شده در آن زمان به طور خاص نمایانگر ویژگی کلی سفرنامه‌نویسی در مورد اسلام است.

(Galamaga , ۲۰۱۰. p.119)

در باب سفرنامه‌نویسی و علل و انگیزه پذیرفتن مسافرت‌های سخت و طولانی غربی‌ها به کشورهای عمدتاً غیرغربی مطالب جالبی به چشم می‌خورد. الاسمر در این مورد چنین می‌نویسد: تصویری که سفرنامه‌نویسان در مورد کشورهای اسلامی و اعراب داشتند نمی‌توانست جدای از سیاست‌های فرهنگی دوران حکام ویکتوریایی بریتانیا در مورد اعراب و مسلمین باشد. عصر ویکتوریا عصر کاوش در جهان دیگری یعنی شرق عجیب و غریب و مرموز بود. ویکتوریایی‌ها مفهوم اسطوره

---

6. Thomas Aquinas (1225 –1274)

«وحشی نجیب» را از سنت نیاکان خود به ارث برده‌اند. غرب، شرق را سرزمین ادویه‌ها، عطرها، صمغ و دارچین می‌دانست. با این حال در همان زمان به‌عنوان یک بیابان خشک و غیرمولد شناخته می‌شد. زیرا ویکتوریایی‌ها معتقد بودند که شرق از زمان بابل و نینوا در رکود بود. شرق‌شناسی مذهبی ریشه‌های خود را از آغاز قرن چهاردهم در شورای کلیسای وین داشت. یکی از باورهای ویکتوریایی‌ها این بود که از سپیده‌دم تاریخ، بشریت به نژادهای زیادی تقسیم شده بود. برخی معتقد بودند که تمایز بین نژادهای بشر وجود دارد. (al-asmar, ۱۹۹۴, p. ۵۸-۸۸)

به نظر می‌رسد نوشته‌های اخیر نیز در باب سفرنامه‌نویسی، افق‌های جدیدتری را برای مخاطب روشن می‌کنند. کتاب «جهان در کلمات: سفرنامه‌نویسی و تصور جهانی در جنوب آسیای اسلامی» از جمله پژوهش‌هایی است که به‌صراحت یکی از انگیزه‌های استعماری مغرب‌زمین در کشورهای مانند هند پاکستان در جنوب آسیا را سفرنامه‌نویسان می‌داند. نویسنده نفوذ سفرنامه‌نویسی را در کشورهای هند و پاکستان را معلول ارتباط غربی‌ها با مستعمره‌نشین‌ها می‌داند. به‌طوری‌که شهروندان هندی نیز به نوشتن سفرنامه‌های خود ترغیب می‌کرد: «سفرنامه‌نویسی بومی یکی از اولین ژانرهای «جدید» قرن نوزدهم بود که چندین دهه پیش از سایر ژانرهای استعماری مانند رمان پیشی گرفته است» (Majchrowicz, 2023 p.212).<sup>۷</sup>

#### ب: نگاهی به تاریخچه تعدد زوجات

بهترین و طبیعی‌ترین فرم زناشویی تک‌همسری است که در آن هر یک از زن و شوهر احساسات و منافع جنسی دیگری را از آن خود می‌دانند. در مقابل این شیوه زندگی چندهمسری هم رواج داشته است. نوع اول از چندهمسری، چند شوهری است که در زندگی زناشویی به «کمونیسم جنسی» معروف، و به دنبال نفی خانواده در جامعه است. در کمونیسم جنسی در بعضی از قبیله‌ها چند برادر به‌صورت گروهی و مشترک با چند

---

۷. این کتاب بر اساس بیش از یک دهه تحقیق نوشته شده، نویسنده نشان می‌دهد که چگونه سفرنامه‌نویسی در میان شرقی‌ها صدایی را به جهان منعکس می‌کند که بازتاب آرزوی هندی‌ها و پاکستانی‌ها در هنگام رویارویی درباره جایگاه خود در جهان رو به پیشرفت قرن نوزدهم و بیستم بود. در این مطالعه میان رشته‌ای، نویسنده دانیل مایچروویچ تاریخ اجتماعی و ادبی سفرنامه‌های اردو زبان را از سال ۱۸۴۰ تا ۱۹۹۰ در شش فصل دنبال می‌کند. در هر فصل می‌پرسد چگونه سفرنامه‌نویسان از این ژانر برای معنا بخشیدن به واقعیت‌های اجتماعی و سیاسی در حال تغییر دوران استعماری خود استفاده کردند. جهان‌های پسااستعماری این کتاب به ویژه نقش نویسندگان زن را در این زمینه برجسته می‌کند.

خواهر به صورت مشترک ازدواج می‌کرده‌اند یا عده‌ای از مردان با عده‌ای از زنان ازدواج می‌کرده‌اند. (مطهری، ۱۳۹۷، ج ۱۹، ۳۰۰)

ویل دورانت در جلد اول کتاب تاریخ تمدن می‌گوید:

در برخی مناطق ازدواج به صورت گروهی انجام می‌شود؛ یعنی گروهی از مردان یک طایفه به عده‌ای از زنان طایفه دیگر را به زنی می‌گرفته‌اند. در تبت برای نمونه عادت بر آن بوده است که چند برادر چند خواهر را به تعداد خود به همسری می‌گرفتند به گونه‌ای که اصلاً مشخص نبود کدام خواهر زن کدام برادر است و یک نوع کمونیسیم در زناشویی وجود داشته و هر مرد با هر زن که می‌خواست هم‌خوابه می‌شده است. یا در جای دیگر ویل دورانت به چند همسری اشاره می‌کند که یک زن در یک زمان مشخص بیش از یک شوهر داشته است. وی می‌گوید: این کیفیت در قبیله تودا و بعضی از قبائل تبت قابل مشاهده است (ویل دورانت، ۱۳۳۷، ج ۱، ۶۰)

یا در صحیح بخاری به نقل از عایشه در مورد چند شوهری در جاهلیت عرب می‌گوید:

زناشویی در جاهلیت عرب به چهار صورت انجام می‌شود. یک. مردی به وسیله پدر دختر از دختر خواستگاری می‌کند که امروزه هم رسم همین است. دو. این بوده که مردی در بین ایام زناشویی با زنی، خود وسیله زناشویی او را با مرد دیگری برای یک مدت مشخص فراهم می‌کند تا از او برای خود نسل بهتری به وجود آورد. یعنی این کار را برای بهبود نسل و اصلاح نژاد انجام می‌دادند. این نوع زناشویی را «نکاح استبضاع» می‌گویند. سه. عده‌ای که تعداد شان کمتر از ده نفر می‌بود با یک زن رابطه جنسی برقرار می‌کردند. آن زن آبستن می‌شد و فرزندی به دنیا می‌آورد. در این موقع زن همه آن مردان را نزد خود دعوت می‌کرد و طبق عادت و رسم مردان نمی‌توانستند از آمدن سرپیچی کنند. در این زمان آن زن هر کدام از آن مردان را که خود مایل بود به عنوان پدر برای فرزند خود انتخاب می‌کرد و آن مرد حق نداشت از قبول آن فرزند سرباز زند. نوع چهارم. این است که زنی رسماً عنوان «روسپی‌گری» داشت. هر مردی می‌توانست با او رابطه جنسی داشته باشد این گونه زنان پرچمی بالای خانه خود نصب می‌کردند و با آن نشانه شناخته می‌شدند این چنین زنان پس از آن که فرزندان به دنیا می‌آوردند همه مردانی را که با آنها ارتباط داشتند جمع می‌کردند و آنگاه کاهن و قیافه شناس می‌آوردند قیافه شناس از روی مشخصات قیافه رأی می‌داد که این فرزند از آن کیست و آن مرد هم مجبور بود نظر

قیافه‌شناس را بپذیرد و آن فرزند را فرزند رسمی و قانونی خود بداند. (مطهری، ۱۳۸۷، ج

۱۹، ۳۰۱)

نوع دوم چندهمسری، چندزنی است که در جامعه رواج یافته است و نسبتاً موفقیت بیشتری پیدا کرده است. در قرون وسطی از جمله تبلیغاتی که کلیسا علیه اسلام می‌کرد، این بود که می‌گفتند پیامبر اسلام رسم تعدد زوجات را اختراع کرده است و اسلام به همین دلیل پیشرفت نموده درحالی‌که باید گفت رسم تعدد زوجات قبل از اسلام نیز وجود داشته است. (مطهری، ۱۳۸۷، ج ۱۹، ۳۰۵)

همچنین گوستاولوبون در تاریخ تمدن خود می‌گوید: در اروپا هیچ یک از رسوم مشرق به‌اندازه تعدد زوجات بد معرفی نشده و در باره هیچ رسمی هم این مقدار نظر اروپا به خطا نرفته است. دیدگاه نویسندگان اروپایی در مورد تعدد زوجات این است که تعدد زوجات را شالوده مذهب اسلام می‌دانند و در انتشار دیانت اسلام و تنزل و انحطاط ملل شرقی آن را علت العلل قرار داده‌اند؛ اما تصور مزبور از جمله تصوراتی است که هیچ مدرک و اساسی برای آن نیست. اگر خوانندگان این کتاب از اهل اروپا برای مدت کمی تعصبات اروپایی را از خود کنار بگذارند، تصدیق خواهند کرد که رسم تعدد زوجات برای نظام اجتماعی شرق یک رسم عمده‌ای است که به‌وسیله آن اقوامی که این رسم میان آنها جاری است روح اخلاقی ایشان در ترقی و تعلقات و روابط خانوادگی آنها قوی و پایدار مانده و بالاخره در نتیجه همین رسم است که در مشرق اعزاز و اکرام زن بیش از اروپاست. موضوع رسم تعدد زوجات ابداً مربوط به اسلام نیست؛ چون قبل از اسلام هم تعدد زوجات در میان تمام اقوام شرقی از یهود، ایرانی عرب و غیره شایع بوده است. رسم تعدد زوجات را می‌توان بر اثر آب‌وهوای مشرق و در نتیجه خصایص نژادی و علل و اسباب دیگری که به طرز زندگانی مشرق مربوط بوده دانست، نه اینکه مذهب آن را آورده باشد. در مغرب‌زمین هم باوجوداینکه آب نیست مع‌ذلک و هوا و طبیعت هیچ یک مقتضی برای وجود چنین رسمی وحدت زوجه رسمی است که ما آن را فقط در کتاب‌های قانون می‌بینیم درج است. والا خیال نمی‌کنم بشود این را انکار کرد که در معاشرت واقعی ما اثری از این رسم (رسم وحدت زوجه) نیست. (گوستاولوبون، ۱۳۱۸،

ویل دورانت در تاریخ تمدن می‌گوید:

علمای دینی کلیسا در قرون وسطی تصور می‌کردند که تعدد زوجات از ابتکارات پیغمبر اسلام است در صورتی که چنین نیست و در اجتماعات قبل نیز چند همسری رایج بوده است. (ویل دورانت، ۱۳۳۷، ص ۶۱)

همچنین کریستنسن در کتاب ایران در زمان ساسانیان در مورد چندزنی در ایران می‌گوید:

«اصل تعدد زوجات اساس تشکیل خانواده در ایران زمان ساسانیان به شمار می‌رفت. در عمل، تعداد زنانی که مرد می‌توانست داشته باشد به نسبت استطاعت او بود. ظاهراً مردمان کم‌بضاعت به‌طور کلی بیش از یک زن نداشتند. رئیس خانواده از حق ریاست دودمان بهره‌مند بود یکی از زنان سوگلی و صاحب حقوق کامله محسوب حقوق قانونی این دو نوع زوجة مختلف بود.» (کریستن سن، ۱۳۱۸، ۳۴۶)

اسلام علاوه بر اینکه در ایجاد رسم تعدد زوجات، نقش نداشته است، در به‌وجود آمدن این رسم در ایران نیز هیچ نقشی نداشته؛ بلکه قبل از اسلام این رسم بوده است. در میان اعراب نیز رسم تعدد زوجات بدون هیچ‌گونه حد و حصری وجود داشته؛ اما اسلام که چند شوهری را به‌کلی منسوخ کرد برای چندزنی شرایط خاصی به نفع زنان قائل شد و آن را محدود و مفید ساخت و اجازه نداد که چندزنی به‌صورت غیر محدود و بدون قید ادامه پیدا کند. (مطهری، ۱۳۸۷، ج ۱۹، ص ۳۰۶)

### ۳- تعدد زوجات در اسلام

قرآن کریم در جهت سامان‌دهی و ایجاد محدودیت در تعدد زوجات آیاتی را ذکر کرده است که شرط در ازدواج مجدد و چند همسرگزینی است. از مهم‌ترین شروط تعدد زوج در قرآن کریم: عدالت است. آیه ۳ سوره نساء عدالت بین همسران را بیان می‌کند: وَ إِن خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَنِّي وَتِلْكَ وَرَبَّاعٍ فَإِن خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكُمْ أَذْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا» اگر بیم آن دارید که در زمان ازدواج با دختران یتیمف عدالت را رعایت نکنید، (از ازدواج با آنها خودداری کنید و با دیگر زنان پاکدامن ازدواج کنید)، دو یا سه یا چهار همسر و اگر بیم دارید در مورد همسران عدالت نورزید، پس تنها یک زن (به همسری) بگیرید و چنانچه کنیزی دارید که مالک آن هستید به آن اکتفا کنید، که این کار نزدیکتر به عدالت و مانع ستم

است. یا در آیه ۱۲۹ سوره نساء آمده است که عدالت در حق همسران در صلاحیت شوهر نیست، اما نباید به گونه ای عمل کنند که یکی از همسران را ترک کنند: وَ لَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَ لَوْ حَرَصْتُمْ فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمَيْلِ فَتَذَرُوهَا كَالْمُعَلَّقَةِ وَإِنْ تُصْلِحُوا وَ تَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُوراً رَحِيماً» شما هرگز نتوانید میان زنان به عدالت رفتار کنید هر چند راغب و حریص (بر عدل و درستی) باشید، پس به تمام میل خود یکی را بهره مند و آن دیگر را محروم نکنید تا او را معلق و بلا تکلیف گذارید. و اگر سازش کنید و پرهیزکار باشید همانا خدا بخشنده و مهربان است.

### الف: معنای لغوی و اصطلاحی عدالت

برای فهم هرچه بهتر آیه سوم سوره نساء و ارتباط آن با آیه ۱۲۹ همان سوره و ارتباط بین این دو آیه و دستیابی به ابعاد مختلف عدالت، تعدد زوجات است؛ بنابراین معنی عدالت را در منابع بررسی می‌کنیم. ابن فارس می‌گوید: ماده عدل، نشان از استوا است. عدل به معنای استوا کردن است و اگر چیزی با چیز دیگر برابر باشد نشان از عدل دارد... عدل در مقابل جور است... روزی که سرما و گرما در آن برابر باشد، آن روز را معتدل گویند (ابن فارس، ۱۴۰۹: ۴/۲۴۶). فیومی می‌گوید: عدل میان‌روی در امور است و خلاف جورا است. (فیومی، بیتا: ۲/۳۹۶). ابن منظور می‌گوید: عدل برخلاف جور بوده و در نفس انسان جای دارد. به عبارتی عدل تنها به حقیقت حکم کردن است این منظور، ۱۴۱۴: ۱۱/۴۳۰) زبیدی نیز می‌گوید: عدل حد واسطه زیاده‌روی و کوتاهی کردن است (زبیدی، ۱۴۱۴: ۱۵/۴۷۱).

از اظهارنظرهای علما روشن می‌شود که عدل به معنای تساوی و در کلمه به معنای تساوی در مقدار نیست، بلکه به معنای اعتدال و استقامت در رفتار و دوری از افراط و تفریط و عمل به حق و پرهیز از ظلم است. منظور از عدالت در آیه ۳ و ۱۲۹ سوره نساء این است که حقوق زوجه و رعایت اعتدال و دوری از افراط و تفریط در همه حقوق زوجیت است. از مفهوم آیه سوم سوره نساء چنین می‌توان برداشت کرد که در صورتی که مرد چند همسر اختیار کند لازم است حقوق همه آنها را ادا کرده و همسر جدید موجب قصور در حق سایر همسران نشود. ولی اگر بیم دارد که دچار عدم رعایت عدالت شود، برای جلوگیری از ستم به یک همسر یا ملک یمین اکتفا کرده که این عمل به عدالت نزدیک‌تر است. شیخ طوسی می‌گوید: اگر مرد برخی از زنان خود را از نظر

نفقه و پوشاک بر برخی دیگر ترجیح دهد، اشکالی ندارد و اگر با رعایت مساوات بین آنها رفتار کند، بهتر است (طوسی، ۱۳۸۷، ۴۸۴).

از نظر صاحب جواهر و برخی از فقها، عدالت در هر دو آیه به معنای مساوات است و در آیه ۱۲۹ سوره نساء، منظور نفقه و مانند آن نیست، زیرا مساوات در این زمینه‌ها ممکن است و خارج از توان شوهر نیست، بلکه منظور برابری در همه زمینه‌ها یا برابری در محبت است (نجفی، ۱۴۰۴: ۲۹/۳۵؛ اراکی، ۱۴۱۹: ۷۳۵). در منابع فقهی نیز دلایلی وجود دارد که نشان می‌دهد عدالت در تعدد زوجات از نظر فقها به معنای برابری است (طوسی، ۱۳۸۷: ۴/۱۵۵؛ ابن زهره، ۱۴۱۷: ۳۵۶). همچنین طبق روایت امام کاظم (ع)، احتمالاً منظور از عدالت در تعدد زوجات، به معنای مساوات و برابری است: *مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ يَأْسِنَادُهُ عَنْ أَبِي أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَبْدِ الْمَلِكِ بْنِ عَتْبَةَ الْهَاشِمِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ (ع) عَنِ الرَّجُلِ تَكُونُ لَهُ امْرَأَتَانِ يُرِيدُ أَنْ يُؤْتِرَ إِحْدَاهُمَا بِالْكِسْوَةِ وَالْعَطِيَّةِ، أَيُصْلِحُ ذَلِكَ؟ قَالَ: لَنَا بَأْسٌ، وَاجْتِهَدِي فِي الْعَدْلِ بَيْنَهُمَا (عاملی، ۲۱/۳۴۱):* (۱۴۰۹)

عبدالملک بن عتبه نقل می‌کند: از امام کاظم (ع) پرسیدم که چنانچه مرد دارای دو همسر، بخواهد یکی از زنان را از نظر پوشاک و نفقه بر دیگری ترجیح دهد، آیا کار درستی است؟ امام فرمودند: ایرادی ندارد، اما مرد تلاش کند که مساوات را بین آنها برقرار کند؛ بنابراین بسیاری از فقها بر این باورند که عدالت در این روایت مساوات بوده (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۸/۳۳۶؛ عاملی، ۱۴۱۱: ۱/۴۲۴؛ اصفهانی، ۱۴۱۶: ۷/۵۱۶؛ خوانساری، ۱۴۰۵: ۴/۴۳۲؛ سبزواری، ۱۴۱۳: ۲۵/۲۱۴؛ فاضل، ۱۴۲۱: ۴۷۹؛ اراکی، ۱۴۱۹: ۷۳۶، روحانی ۱۴۱۲: ۲۲/۲۴۵).

اغلب معاصران دیدگاه بیان شده را متأثر از روایت امام صادق (ع) می‌دانند، آیه اول بیان می‌کند که منظور از عدالت حقوق مادی زن همچون قسم و نفقه است؛ و آیه دوم بیان‌کننده عدالت در زمینه محبت و احساس قلبی است. در واقع مرد موظف به رعایت حقوق مادی زن و پرداخت آن است و این نوع عدالت در حد توان او بوده و قابل اجرا است، اما قادر به رعایت عدالت قلبی نیست. به گونه‌ای که تنها به یک زن توجه و محبت کرده و سایر همسران خود را رها کند. عبارت «فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمَيْلِ فَتَذَرُوهَا كَالْمُعَلَّقَةِ» بیان می‌کند که با توجه به اینکه توان اجرای کامل عدالت را ندارید، پس کاملاً آن را رها نکنید و اجرای آن را حتی به طور ناقص و در حد توان انجام دهید. در این صورت این عمل



گرچه سازگار باعدالت حقوقی نیست، اما باعدالت قلبی سازگار است (بلاغی، ۱۴۲۰: ۲/۹؛ مکارم، ۱۳۷۴: ۳/۲۵۵؛ حسینی، ۱۴۱۱: ۷۹؛ صدر، ۱۴۲۰: ۶/۱۶۴؛ قطب، ۱۴۱۲: ۲/۵۸۲). این پاسخ، بر اساس انکار وحدت سیاق دو آیه و توجه هر آیه به حکمی متفاوت است صدر، ۱۴۲۰: ۶/۱۶۴)

بر اساس این استدلال‌های در آیه سوم خداوند عزوجل فرمان می‌دهد که اجرای عدالت نسبت به همسران که همان رعایت عدل و دوری از افراط است، نه تنها در حقوق شرعی بلکه در روابط اخلاقی و عاطفی نیز ضروری است و نباید در حق هیچ یک از همسران ظلمی صورت گیرد. عدالت بیان شده در آیه اول که در آیه ۱۲۹ بر آن تأکید شده، رعایت عدالت همه‌جانبه به طور کامل و خارج از توان نیست، بلکه برای جلوگیری از ظلم فاحش بوده است. به‌گونه‌ای که تنها به یک همسر محبت کرده و دیگر همسران را رها کنید؛ بنابراین چنانچه خود را اصلاح کرده و تقوا کنید، خدای مهربان قصور شما را خواهد بخشید.

#### ب: عدالت محور زندگی زناشویی

در این آیه به دلیل عدم برقراری عدل و قسط، حکم ازدواج تا چهار همسر از دو جهت جایز بودن یا نبودن، معلق شده است. در ابتدای آیه، جواز ازدواج تا چهار همسر به دلیل عدم رعایت عدالت در مورد یتیمان به صورت معلق درآمده و در ادامه آیه با فرض عدم پابندی به عدل و عدالت در بین همسران، چندهمسری نهی شده است؛ بنابراین روشن است که از نظر قرآن کریم، اساس زندگی زناشویی و روابط در خانواده بر پایه عدالت و پابندی به حقوق طرفین استوار است.

ملاک احکام در عبارت پایانی آیه: «ذَلِكْ أَدْنَىٰ أَلَا تَعْلَمُونَ» عنوان شده است. ابن عربی بیان می‌کند که تعول تنها به هفت صورت معنا می‌شود که عبارت‌اند از: تمایل به چیزی، زیادشدن، فقیر شدن، ظلم کردن، سنگین شدن، عهده‌دار همسر و فرزندان شدن و مسلط شدن (ابن عربی، بی تا ۱/۳۱۴). درحالی‌که قرطبی معتقد است که علاوه بر این هفت معنا، سه معنای دیگر نیز دارد (قرطبی، ۱۴۰۵: ۵/۲۲).

تعولوا به چهار گونه معنا می‌شود: نخست به معنای جور و ظلم است که بیشتر مفسران این معنا را قبول دارند (طوسی، ۱۴۰۹: ۳/۱۰۸؛ اردبیلی، بی تا: ۵۰۸؛ ساینس، بی تا ۲۱۳؛ مکارم، ۱۳۷۴: ۳/۲۵۴). دوم معنای فقر و نیازمندی است، که برای پرهیز از فقر و

نیازمندی ازدواج با یک همسر و ملک یمین مناسب است. اما این معنای دارای ایراد لغوی است که به‌جای کلمه تعولوا باید از کلمه «ألا تعیلوا» استفاده می‌شد (طوسی، ۱۴۰۹: ۳/۱۰۸). سوم به معنی افزایش همسر و فرزندان است که از نظر شافعی این معنا قابل قبول است؛ بنابراین معنای آیه به این گونه است که اگر توانایی رعایت عدالت در بین همسران خود را ندارید، برای جلوگیری از افزایش عائله مناسب است که تنها به یک زن بسنده کنید یا کنیز و برده‌ای که مالک آن هستید (ملک یمین) اختیار کنید (ابن عربی، بی تا: ۱/۳۱۴). اما این معنا نیز دارای ایراد است و باید از کلمه «الأتعیلوا» استفاده می‌شد (رضی بیتا: ۲۹۴؛ طوسی، ۱۴۰۹: ۳/۱۰۸؛ جصاص، ۱۴۱۵: ۲/۳۵۰). اما ایراد دیگر این دو معنا این است که ملک یمین حد و تعدادی ندارد و ملک یمین شامل عائله نیز می‌شود که بامعنا سازگار نیست (رضی، بی تا: ۲۹۴؛ طوسی، ۱۴۰۹: ۳/۱۰۸؛ طبرسی، ۱۴۱۵: ۳/۱۲).

چهارم میل به زنان معنا می‌شود. طبری این معنا را به نخستین مفسران قرآن نسبت می‌دهد (طبری، ۱۴۱۵: ۴/۱۶۰). بنابراین از نظر مفسران، «ذلک» به ازدواج با یک همسر یا ملک یمین اشاره دارد. بنابر نظر مفسران، مفهوم آیه درباره کلمه «تعولوا» به این صورت است که برای پرهیز از ستم، ازدواج با یک همسر یا ملک یمین نسبت به ازدواج با زنان متعدد مناسب‌تر است (طبری، ۱۴۱۵: ۴/۱۶۰؛ طوسی، ۱۴۰۹: ۳/۱۰۸؛ طبرسی، ۱۴۱۵: ۳/۱۲؛ سائیس، بی تا ۲۱۳؛ مکارم ۱۳۷۴: ۳/۲۵۴). البته برخی معنای آن را ازدواج تا چهار همسر می‌دانند که معنای آن این‌گونه است که برای پرهیز از ستم، ازدواج تا چهار همسر نسبت به ازدواج با زنان یتیم مناسب‌تر است (ابن عربی، بی تا: ۱/۳۱۴)؛ بنابراین عبارت «ذلک أدنی ألا تعولوا» نشان دهنده عدالت و پرهیز از ظلم احکام ازدواج است. (طباطبایی ۱۴۱۷: ۴).

### ج: ابعاد اخلاقی عدالت

از منظر اسلام، گرچه چندهمسری دارای جواز فقهی و حقوقی است، اما مانند سایر مقررات لازم است ابعاد اخلاقی آن نیز رعایت شود. باید توجه داشت که شرط عدالت در چندهمسری، علاوه بر قسم یا برخی وظایف خاص مرد نسبت به همسرانش، شامل تمامی وظایف حقوقی و اخلاقی مرد نیز می‌شود. از منظر قرآن، رعایت کامل عدالت خارج از توان مردان است، اما از آنها می‌خواهد که در رعایت عدالت تا حد توان تلاش کنند و دچار ظلم آشکار نشوند به‌طوری که تمام محبت خود را نثار یکی از همسران کرده و همسر دیگر را رها کنند.

شناخت جنبه‌های اخلاقی این قضاوت نیز مانند سایر مسائل اخلاقی باید بر اساس زندگی فردی و اجتماعی مرد و همسرانش باشد. به همین دلیل، ازدواج مجدد از منظر اخلاقی برای اکثر مردان نامناسب است. به نظر تعدادی از فقها، جنبه‌های اخلاقی تعدد زوجات دور نیست و آنها انجام آن را در شرایط نامناسب غیراخلاقی می‌دانند.

مردی از آیت‌الله خویی سؤال کرد که به دلیل ابتلای همسرش به سرطان سینه و با وجود مهربانی و نیکوکاری و وظیفه‌شناسی همسرش، تصمیم ازدواج با زنی دیگر را دارد. درحالی‌که مرد می‌دانست که در صورت ازدواج مجدد او، همسر اولش آزار روحی دیده و حتی ممکن است که بیماری‌اش تشدید شود. ایشان در پاسخ به مرد می‌گوید: «از نظر اسلام، ازدواج با زنی دیگر حرام نیست، اما بر خلاف احسان و نیکی در حق زن اول است» می‌فرماید: آیا مزد و پاداش حسان، احسان و نیکی است؟ در صورت ازدواج با زنی دیگر، خداوند عزوجل در این دنیا، تو را با بی‌ثمر کردن ازدواج دومت مورد مؤاخذه قرار خواهد داد (خویی، ۱۴۲۷: ۱۰۷). از نظر یکی از دانشمندان عصر حاضر با اینکه این حکم از منظر فقهی دارای مشروعیت است، اما در عصر حاضر باتوجه به فرهنگ و روابط خانوادگی، عمل به عدالت و مساوات سخت بوده و موجب ظلم، کینه و اختلافات خانوادگی می‌شود و از نظر اخلاقی مخالف تقوا و انسانیت است. باتوجه به جنبه‌های اخلاقی عدالت، شهید مطهری می‌گوید: «چندهمسری با این شرط اخلاقی اکید و شدید، شکل انجام‌وظیفه و مسئولیت را دارد و نباید وسیله‌ای برای هوی و هوس مرد باشد» (مطهری، بیتا: ۱۹/۳۶۱). باتوجه به برقراری جنبه‌های مختلف عدالت آیت‌الله مکارم شیرازی می‌گوید: با اینکه در برخی موارد، جواز چندهمسری یک ضرورت اجتماعی است و جزو احکام مسلم اسلام به شمار می‌رود، اما برآورده شدن شرایط آن نسبت به گذشته فرق کرده است، زیرا در گذشته شکل زندگی ساده و برقراری مساوات در بین همسران آسان‌تر بود و اکثر افراد می‌توانستند این مساوات را برقرار کنند. اما در زمان حال، برای استفاده از قانون مساوات در بین همسران، افراد باید به طور همه‌جانبه عدالت را رعایت کنند و اگر از عهده این امر بر می‌آیند به چنین امری اقدام نمایند و معمولاً این کار نباید از روی هوی و هوس صورت گیرد (مکارم، ۱۳۷۴: ۳/۲۵۹).

بنابراین حتی اگر قسم رعایت شود، اما ازدواج مجدد باعث ظلم به زن اول یا خانواده بشود، از منظر قرآن این ازدواج جایز نیست. به نظر تعدادی از دانشمندان از دیدگاه اسلام و در نظام اجتماعی

و خانوادگی، تعدد زوجات وضعیت مطلوب و ایده آلی را در نظام خانواده تضمین نمی‌کند و به عنوان راه حلی موقت برای رفع برخی مشکلات اجتماعی و خانوادگی محسوب می‌شود (قطب، ۱۴۱۲: ۱/۵۸۲). از نظر شهید مطهری، داشتن یک همسر بسیار نیکوست زیرا در این حالت جسم و روح هر یک از زوجین تنها متعلق به یک همسر است. کاملاً روشن است که در زوجیت اختصاصی و تک همسری، روحیه زندگی زناشویی که همان اتحاد و با هم بودن است به بهترین وجه نمایان می‌شود. او با کسانی که مخالف تک همسری هستند و ماهیت مرد را در تعدد زوجات می‌دانند مخالف است (مطهری بی‌تا (۱۹/۳۴۰). از منظر اسلام، قانون چند همسری تنها برای موارد خاص و گروه اندکی از مردم وضع شده، در حالیکه در اسلام تک همسری مطلوب‌تر است (صدر، ۱۴۲۰: ۶/۱۵۹). در نظام تکوین، تعدد نسبی زنان و مردان تایید کننده این نکته است؛ زیرا اگر چند همسری بر تک همسری ارجحیت داشت، در اینصورت برای بهره مندی مطلوب مردان، باید در نظام خلقت تعداد زنان دوبرابر مردان می‌بود.

#### نتیجه

در گزارش سفرنامه‌نویسان، مواردی در مورد، تعدد زوجات در میان مسلمانان دوره قاجار که نشان از تضييع کرامت انسانی است بیان شده است، برای مثال، موضوعاتی که در تعدد زوجات مثل مهریه، حق طلاق، جایگاه متزلزل دختران و حق انتخاب همسر در تعدد زوجات مطرح می‌شود را به چالش می‌کشند. باتوجه به نکات طرح شده در باب سفرنامه‌نویسی و انگیزه‌های سفرنامه‌نویسان، این مطلب روشن است که سفرنامه‌نویسان ظاهراً مشغول روایت واقعی از زندگی و آداب مسلمان ایرانی بوده‌اند، ولی در حقیقت بیشتر در صدد بی‌هویت و تهی جلوه‌دادن این آداب از فضائل اخلاقی بوده‌اند. رویه‌ای که از همان ابتدا ظهور اسلام در میان غربیان برای تخطئه اسلام مرسوم بوده است. حال این اسلام است که به واسطه نهی از چندهمسری و ایجاد قوانین و شرایطی مثل عدالت به دنبال سامان‌دهی و ازبین‌رفتن تبعیض و تضييع حقوق زنان در تعدد زوجات در اسلام است درحالی‌که در قبل از اسلام هم در ایران و هم در عصر جاهلیت و اروپا حتی کمونیسم جنسیتی وجود داشته است که به دنبال نفی خانواده است. از طرف دیگر در دوره قاجار ما با مردمانی مواجه هستیم که بعضاً، رعایت آداب اسلامی را نمی‌کردند که آن را نباید حمل بر همه مسلمانان کرد. البته این نکته نیز شایان‌ذکر است که با نگاهی به اهداف سفرنامه‌نویسان در مجموع و سفرنامه‌نویسان غربی در ایران، مشاهده می‌شود که این سفرها بیشتر برای اهداف سیاسی و نفوذ فرهنگی در میان اقوام غیرغربی و ایرانیان است.

## منابع

### قرآن کریم.

۱. ابن منظور، ابوالفضل، جمال‌الدین محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، دار الفکر للطباعة والنشر والتوزيع دار صادر، بیروت، لبنان، چاپ
۲. ابن فارس، احمد (۱۴۰۹ق)، *معجم المقیاس اللغه*، محقق عبدالسلام محمد هارون.
۳. ابن عربی، محمد بن عبدالله (بی تا)، *أحكام القرآن*، دار إحياء التراث العربی، بیروت.
۴. ابن فارس، احمد (۱۴۰۹ق)، *معجم مقانیس اللغه*، محقق عبدالسلام محمد هارون.
۵. ابن زهره حلبی، حمزه بن علی حسینی (۱۴۱۷ق)، *غنیة النزوع إلى علمی الأصول و الفروع*، در یک جلد مؤسسه امام صادق علیه السلام، قم، ایران، اول.
۶. اراکی، محمدعلی (۱۴۱۹ق)، *کتاب النکاح در یک جلد*، نور نگار، قم، ایران، اول.
۷. اصفهانی، فاضل هندی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ق)، *کشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحکام*، ۱۱ جلد دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ایران، اول.
۸. اولیویه، گیوم آنتوان (۱۳۷۱)، *تاریخ اجتماعی - اقتصادی ایران در دوران آغازین عصر قاجاریه*. مترجم محمدطاهر قاجار. تهران: اطاعات.
۹. امامی، مسعود، رعایت عدالت در تعدد زوجات، *کاوشی نو در فقه اسلامی*، سال بیستم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۲، صفحات ۴ - ۲
۱۰. بلاغی، محمدجواد (۱۴۲۰ق)، *آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن*، بنیاد بعثت، قم، اول.
۱۱. بلوردی، علی (۱۴۰۰)، *بررسی گزارشات سفرنامه نویسان دوره قاجار از اخلاقیات ایرانیان بر مبنای اخلاق اسلامی*، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
۱۲. پیرلوتی (۱۳۹۷)، *به سوی اصفهان*. مترجم درالدین کتابی. تهران: اطلاعات.
۱۳. جصاص، احمد بن علی (۱۴۱۵ق)، *احکام القرآن*، دارالکتب العلمیه، بیروت، اول.
۱۴. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، *وسائل الشیعة الی تحصیل المسائل الشریعة*، موسسه آل البيت (ع)، قم، اول.
۱۵. خوانساری، سیداحمد (۱۴۰۵)، *جامع المدارک فی شرح مختصر النافع*، تحقیق علی اکبر غفاری، اسماعیلیان، قم، دوم
۱۶. خوبی، سیدابوالقاسم (۱۴۲۷ق)، *فقه الاعذار الشرعیه*، دارالصدیقه، قم، اول.

۱۷. حسنی، هاشم معروف (۱۴۱۱)، *تاریخ الفقه الجعفری*، دارالکتاب الاسلامی، قم، اول.
۱۸. دورانت، ویلیام، (۱۳۳۷)، *تاریخ تمدن*. انتشارات اقبال: تهران.
۱۹. رضی (بی تا)، *حقائق التأویل فی متشابه التنزیل*، دارالمهاجر، بیروت. ۳۵.
۲۰. روحانی قمی، سید صادق حسینی (۱۴۱۲ق)، *فقه الصادق علیه السلام (لروحانی)*، ۲۶ جلد، دارالکتاب مدرسه امام صادق علیه السلام، قم، ایران.
۲۱. زبیدی حنفی، محب الدین سید محمد مرتضی حسینی (۱۴۱۴ق)، *تاج العروس من جواهر القاموس*، ۲۰ جلد دارالفکر للطباعة والنشر و التوزیع، بیروت، لبنان.
۲۲. سبزواری، سید عبد الأعلى (۴۱۳ق)، *مهذب الأحكام (للسبزواری)*، ۳۰ جلد، مؤسسه المنار، دفتر حضرت آیة الله، قم، ایران چهارم.
۲۳. سائیس محمد علی (بی تا)، *تفسیر آیات الاحکام*.
۲۴. شهیدثانی، زین الدین (۴۱۳ق)، *مسالك الافهام*، مؤسسه المعارف الاسلامیه، قم، اول.
۲۵. شیل، لیدی مریل. (۱۳۶۸)، *خاطرات لیدی شیل*، ترجمه حسین ابوترابیان. تهران: نشر نو.
۲۶. صدر، سید محمد (۱۴۲۰ق)، *ماوراء الفقه*، مصحح جعفر هادی دجیلی، دارالاضواء، بیروت.
۲۷. طوسی، محمد بن حسن (۳۸۷ق)، *المبسوط فی فقه الامامیه*، تصحیح سید محمدتقی کشفی، المكتبة المرتضویه، تهران، سوم.
۲۸. طوسی، محمد بن حسن (۴۰۹ق) *التبیین فی تفسیر القرآن*، تحقیق احمد حبیب قصیر، مکتب الاعلام الاسلامی، اول.
۲۹. طباطبایی، سید محمدحسین (۴۱۷ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، دفتر زمینه سازان ظهور امام عصر (ع)، قم، ایران، اول.
۳۰. طبری، محمد بن جریر (۴۱۵ق)، *جامع البیان*، دارالفکر، بیروت، اول. ۴۴.
۳۱. طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن (۴۰۰ق)، *النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی*، در یک جلد دارالکتاب العربی، بیروت، لبنان، دوم.
۳۲. طبرسی، فضل بن حسن (۴۱۵ق)، *مجمع البیان*، مؤسسه الاعلمی، بیروت.
۳۳. عاملی، محمد بن علی موسوی (۴۱۱ق)، *نهایه المرام فی شرح مختصر شرائع الإسلام*، ۲ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، قم.
۳۴. فیومی، احمد بن محمد (بی تا)، *المصباح المنیر*، دارالرضی، قم، اول.
۳۵. فلانندن، اوژن. (۱۳۵۶)، *سفرنامه اوژن فلانندن*. ترجمه حسین نور صادقی. تهران: اشراق.

۳۶. فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۲۱ق)، *تفصیل الشریعہ فی شرح تحریر الوسیلة النکاح*، مرکز فقهی ائمه اطهار (ع)، قم، اول.
۳۷. فوریه، ژوانس. (۱۳۸۵)، *سه سال درد در دیرایران*. مترجم عباس اقبال آشتیانی. تهران: دنیای کتاب.
۳۸. قطب، سید بن قطب (۱۴۱۲ق)، *فی ظلال القرآن*، دار الشروق، بیروت، هفدهم.
۳۹. قمی سبزواری، علی مؤمن (۱۴۲۱ق)، *جامع الخلاف والوفاق*، در یک جلد.
۴۰. قرطبی، محمد بن احمد (۱۴۰۵ق)، *الجامع لاحکام القرآن*، مؤسسه تاریخ العربی، بیروت.
۴۱. گوستاو لویون (۱۳۱۸)، *تمدن اسلام و عرب*، فخرداعی گیلانی، انتشارات علمی: تهران.
۴۲. کازاما، آکی نو (۱۳۸۰)، *سفرنامه و خاطرات آکی نو کازاما نخستین وزیر مختار ژاپن در ایران*. تهران: انتشارات آثار و مفاخر.
۴۳. نجفی، محمدحسن (ق)، *جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام*، محقق عباس قوچانی. علی آخوندی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، هفتم. ۶۶
۴۵. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، *تفسیر نمونه*، دار الکتب الاسلامیه، تهران، اول.
۴۶. مطهری، مرتضی (بی تا) *مجموعه آثار*، قم، صدرا، اول.
۴۷. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق)، *المقنعه*، کنگره جهانی شیخ مفید، اول.
48. Jamal, A.S. (1994). *Victorian Images of the Arabs and Their Sources*. Bethlehem University Journal. 13, 58-88.
49. Majchrowicz, D. (2023). *The World in Words: Travel Writing and the Global Imagination in Muslim South Asia*. Cambridge CB2 8BS, United Kingdom
50. Galamaga, A. (2010), *Representations of Islam in Travel Literature in Early Modern England* College University of Frankfurt (Main). (Institut für England- und Amerikastudien). Term Paper (Advanced Seminar), 19.
51. Gruber, D. (2022). *Europeans Encounter the World in Travelogues*. 1450 – 1900 <http://ieg-ego.eu/en/threads/Europe-and-the-world/arts/doris-gruber>